

## انتشار تازه ترین کتاب بنام « جنگ های کابل »



سید عبدالقدوس (سید)

نویسنده



ناشر: آیدا  
جلد: اول

حروف نگاری و جلد: آتلیه آیدا

نوبت چاپ: اول ۲۰۰۹-۱۳۸۷ المان

قیمت:

مراکز پخش: المان، هالند، انگلستان

مراجع در یافتی در پائین صفحه ذکر است

تاریخ نشر: ۱۳۸۷

تعداد صفحات: ۳۹۱

تیراژ:

آدرس دریافتی: کتاب خانه آیدا

(ida orient books )

Universitätsstar.89

44789 Bochum, Germany

Tel. + 49 (0) 234-9704804

aidabook@freenet.de



سراج الدین ادیب

## جنگهای کابل

( ۱۳۷۱ - ۱۳۷۵ خورشیدی )

### معرفی کتاب :

جلد اول کتاب « جنگ های کابل » دومین اثر و دست آورد معنوی محترم جنرال سید عبدالقدوس " سید\*" نویسنده و پژوهشگر افغان است که به تازگی توسط نشر « آیدا » در شهر بختن - Bochum کشور المان به چاپ رسیده است، این اثر با یک پیشگفتار، در ۸ فصل و اضافه از ( ۷۹ ) عنوان و ۳۹۱ صفحه با صحافت خیلی زیبا بدسترس علاقه مندان و پژوهشگران تاریخ و سیاست به آدرس های ( پاورقی ) زیر قرار گرفته است .

من که از تحقیقات و تلاش های نویسنده برای نگارش این اثر اطلاع داشتم از روی اشتیاق به مطالعه آن بی قراری نشان میدادم ، وقتی اثر فوق الذکر بدستم رسید، در واقع آینه ای از تاریخ چند دهه جنگ و جهاد افغانی در برابر چشمانم قرار گرفته بود. با مطالعه آن به ژرفای وقایع و رخداد های ناگفته و ناشنیده و باطلاق جنگ های شهر کابل، این شهر سوزانده شده و خاکستر شده پرتاب شده بودم ، باخود گفتم شاید بهترین توجه و تمکین به این اثر بجای سکوت، معرفی این کتاب به ذوقمندان مطالعه و زخم خوردگان جنگ باشد ، از همین رو این سطور به تحریر در آمد .

البته پیش از آنکه به معرفی این کتاب بپردازم ، نیاز به تذکر است که ، زمینه ها، شرایط و عواملی که موجب وقوع بیشتر از سه دهه جنگ در افغانستان شده اند، را میتوان شامل طیفی از مسائل: ایدئولوژیک \* ، عقیدتی ، ملیتی ، قومی، نظامی و سیاسی و بعداً روانی ، اقتصادی ، پنداشت زیرا که بازیگران و سر کرده گان این جنگ هر يك به سهم خود، از همان طیف برداشتها بهره برداری و زمینه سازی نمودند و جنگ را از داخل کشور آغاز و آهسته آهسته پای کشور های همسایه و قدرتهای بزرگ را در کشمکش ها سهیم و دخیل ساختند.

بازیگران و سر کرده گان داخلی این جنگ از لحاظ سلاح و پول هر چه بیشتر در صحنه های رزم و نبرد، به منافع تنظیمی و گروهی و حزبی خویش به پیش می تازیدند به همان اندازه دست مداخله خارجی ها با امور کشور ما درازتر

می شد و تا آنجا که این خارجیان بخود جرأت دادند تا لیدران و دست پرورده گان خویش را نیز به تعویض و معامله و حتی بر حذف فزیکیشان شان همت گماردند و هم اکنون آشکارا و به جرأت مالی و لوژستیکیشان خویش میتوانند در وطن عزیز مان افغانستان زعیم و زمامدار تعیین کنند ، البته کشور های پر قدرت اوضاع افغانستان کنون را چنان انکشاف دادند که مردم می پندارند که موجودیت خارجی ها بیشتر بر منافع شان است تا موجودیت توپک سالار و متحجرین و دکانداران دین و ایدئولوژی، زیرا که مردم شاهد کار هوائی های سر کرده گان جهادیان و بخصوص طالبان بودند و هستند.

بهر صورت آنچه که در جنگهای افغانستان و بخصوص جنگهای سالهای (۱۳۷۱ - ۱۳۷۵ خورشیدی) در کابل رخ داده است را به اختصار و موجز میتوان بر شمرد: (کشتارهای انفرادی و جمعی، سنکسار، دره زدن، به دار کشیدن، بریدن بدن بر شمشیرها، شکنجه ها، بیدار خوابی ها، شلاق و مشت و لکد باریها، به آتش کشیدن و سوختن، ایجاد رعب و وحشت و شبخون ها، مهاجرتها، سلب نمودن زنها از حوزه فعالیت اجتماعی، تجاوزات ناموسی، خوراندن گوشت انسان مرده برای انسان زنده، رقصانیدن مرده، بریان نمودن بدنهای زنده انسان در کانتینر ها، میخ کوبیدن بر سر ها، چشم کشیدن، بینی و گوش بریدن، قطع دستها و پاها، کشتن کودکان شیر خوار در آغوش مادرها، چور و چپاول و یغماگری، اعدام ها، اختطاف ها، انفجار ها، راکت پرانی ها، انتحار ها، تاراجها، ویرانی اماکن مقدسه و عبادتگاهها، تعصبات اعم از لسانی، قومی و مذهبی و سایر جنایان و جرائم و دیگر که قلم از نوشتن آن عاجز می ماند ) ، تلخ کامی این جنگ حقیقت بر اساس گزارش رسانه های گروهی نه تنها به قتل، کشتار، معلول و معیوب محدود هزاران هزار شهروند شریف و شکیبای کابل، انجامید بلکه ویرانی ۸۰ فیصد آبادی های شهر بخصوص کابل را توأم با، تجاوز، ترور، تاراج و ابداع شکنجه های جنون آور که در بالا شمعها از آن نام برده شد را به همراه داشت، چنانچه این جنگ در محراق یک محل محدود باقی نماند، بلکه با کشاندن و وسعت دادنش افروختن جنگ در اعماق جامعه یا به عباره دیگر با رگبار بستن فرهنگ و خرد جمعی و بر پا داشتن جشن های کتاب سوزی و انهدام کاخ هنر و موزه سرزمین ادبیات و وطن عزیز مان افغانستان منتهی شد.

تحقیقات و بررسیهای انجام شده در این زمینه ها، فراوان و در دسترس بوده است که گوشه های این جنگها را محترم جنرال عبدالقوس سید در کتاب «جنگ های کابل» با ژرف نگری و ادبیات تاریخی به رشته تحریر در آورده . که خوانش این کتاب عطش خواننده را بیشتر نموده و در لابلای آن ادبیات جنگ را بیشمار میتوان یافت . گفتنی است که یکی از گونه ها یا به اصطلاح ژانرهای مهم ادبی در هر کشوری، ادبیات جنگ است، ملل گوناگون که تاریخ آنها به پدیده جنگ مبتلا بودند، به آفرینش های ادبی و هنری در باره جنگ ها پرداخته اند. فرهنگ ملت ها بروی شالوده از حماسه ای دلیران و رزمندگان در راه منافع ملی استوار است . قهرمانان ملی در جریان مبارزات میهن پرستانه و انسان دوستانه ساخته میشوند، و الگوی برای روحیات توده های مردم قرار میگیرند، و با ادبیات جاودانه میشوند. ادبیات جنگ در جهان تاریخ کهنسالی دارد، در اینجا تا راه کشودن به بحث مورد نظر به شماری محدود از نمونه ها اشاره می شود:

پیش از جنگ جهانی اول - امیل زولا، ( ۲ اپریل ۱۸۴۰ - ۲۹ سپتمبر ۱۹۰۲ ) نویسنده تأثیرگذار فرانسوی شاخصترین چهره مکتب ادبی ، ناتو رئالیسم (طبیعت گرایی) و چهره ای مهم در آزادی خواهی سیاسی فرانسه است. اثرش را بنام " شهید " در باره جنگ پروس و فرانسه که برخی آنرا شهکار دانسته اند ارائه داد .

- ویکتور ماری هوگو (۲۶ فیروزی، ۱۸۰۲ - ۲۲ می، ۱۸۸۵) رمان نویس، شاعر، و هنرمند فرانسوی در " بینوایان " به توصیف صحنه های جنگ پرداخت،

- نوره دو بالزاک (۱۷۹۹ - ۱۸۵۰) نویسنده نامدار فرانسوی است که او را پیشوای مکتب رئالیسم اجتماعی (حقیقت گرایی) در ادبیات می دانند ، رمان (شوان ها) را نگاشته است.

با واقع شدن جنگ اول جهانی، مضمون جنگ ها بگونه گسترده در ادبیات مطرح میشود، نویسندگان فراوانی با الهام از وقایع جنگ آثار خود را آفریدند، به گونه مثال: - هانری باریوس (رمان " آتش " ) - رولا دوژولسی (رمان " صلیب های چوبی " ) - زرژ دهانل، (رمان " زندگی شهید " ) - ژول رومن (رمان " وردون " ) را آفریدند .

بعد از جنگ جهانی دوم نیز آثاری در خشان ادبیات جنگ پا به عرصه وجود نهاد مثلاً: - موریس میترلینگ اثر " رنج زندگی " - ورکور، اثر " خاموشی دریا " - و نتواسنت اثر " خلبان جنگ " - ژان پل سارتر اثر " آخرین مهلت " - البرت کامو اثر " عادل " - تولستوی اثر " جنگ و صلح " - شولوخوف اثر " دن آرام " را که در ۱۹۶۵ بدریافت جایزه ادبی نائل آمده است ، و همچنان - سیمونوف، اثر " زنده ها و مرده ها " ، استیفان گرین امریکائی رمان " نشان سرخ دلیری " که شهکار ادبیات خوانده میشود، - ارنست همینگوی " وداع با اسلحه و " نا قوس ها برای که بصدا در می آید " - الیزابت بادن " گرمای روز " ودها نویسنده دیگر در مصایب و وقایع جنگ ها نوشته اند، اما جنگ های طولانی در افغانستان علی الرغم خونباری و ویرانگری، در ادبیات و صفحات تاریخ بگونه روشن و محسوسی راه نکشود .

یکی از علت های آن این بود که فاجعه جنگ، وطن را از داشته های فرهنگی، و فرهنگیان تهی کرد، شماری زیادی از نویسندگان و هنر مندان از روی ناگزیری به ترک دیار و وطن مجبور گردیده، با چالش های فراگیر غربت در افتادند، آنها که در داخل کشور باقی ماندند، شرایط جنگ فضای ارباب و استبداد تفنگ پرستان ، بازتاب، اندیشه ها و آفرینش های ادبی و هنری آنان را خفه و منکوب کردند، از همین رو وقایع جنگ در آثار ادبی، هنر خلاقه و تاریخ

انعکاس نیافت، و در نتیجه ادبیات از تبلیغات لجام گسیخته طرف های درگیر جنگ عقب ماند و فقر معنوی بر جامعه تحمیل گردید .

حال باید گفت که مسایل سیاسی و نظامی مطرح در کتاب « جنگ های کابل»، با توجه به آنکه قسمتی از خاطرات، تفکرات و اعماق روح نویسنده را منعکس می کند، جلوه از امید بخش ترین کار های است که در سپردن واقعیت های جنگ و جهاد افغانی به لوح تاریخ انجام شده است که میتوان گفت این اثر بر دو شالوده استوار است :

**الف :-** انبوه وقایع سیاسی و توضیح واقعیت های جنگ را نویسنده از جایگاه یک نظامی با گلوله باری از داشته ها و تجارب میدانی، از گرداب چند دهه جنگ به تحقیق و پژوهش برخاسته و کوشیده است، وقایع تاریخی و جنگی را که در اکثر موارد، زیر قشر ضخیمی اباطیل و اکاذیب پنهان باقی مانده، یا مسایل که کسی تا بحال آنرا نخوانده و یا نشنیده است ارائه دهد .

**ب :-** نویسنده در نگارش از شیوه بیان و طرز ویژه خود استفاده نموده، با قدرت قلم، توانسته منظره چشم گیر و دلپذیر از مبحث مورد تحقیق بگسترده، از ژرفای خاطرات درد ناک و یاس آور با نقب زدن در دل تاریکی های جنگ و جهاد، دست خواننده را گرفته به اعماق پنهان رخداد ها و حوادث جنگ میکشاند .

خواننده نیز سیمای روایت گر را در عقب هر مخروطه جنگ کوچک ها، جاده ها و عمارت های به زانو افتاده شهر در کنار خود می بیند، و عشق صمیمانه او را به انسانهای گیر افتاده در تالاب خون و آتش، خشم سوزان او را علیه هیولای جنگ، جنون عظمت طلبی سلاح پرستان، یغما گران، تجاوزگران، و آرزوهای او را برای توقف ماشین کشتار، و ویرانی قطع جنگ، تامین صلح درک و لمس می کند .

آنچه به این اثر ویژگی خاصی بخشیده آنست که نویسنده حین تحقیق چندین ساله با افراد و شاهدان عینی وقایع سیاسی و رخداد های جنگی، مصاحبه و گفتگو کرده، خاطرات زیادی را به قلم کشیده است، این خاطرات و واقعات چنان جذاب، تکانه دهنده و غم انگیز است که خواننده را از یکسو وحشت، و از سوی دیگر به تأمل و میدارد، در لابلای کتاب از آموزه های نظامی، قوانین و مقررات جنگ، در باره ممنوعیت آتشباریها بر محلات مسکونی، جایی که انسانها با همه آرزوی شان زندگی می کنند، کشتار بی کناهان، تخریب، ترور، چپاول، از بدرقتاری بازانان، اسیران جنگی، مجروحین، صحبت بعمل آمده، بداهت، نادانی و توحش فرماندهان جنگ که تخطی های صریح و آشکار بشری را مرتکب گردیده اند، همه مزدور و ملعبه دست بیگانه نشان داده شده اند، قهر مانان واقعی او شهر وندان با عزت کابل اند که با گیر افتادن در تالاب خون و آتش، مورد احترام عمیق نویسنده قرار گرفته اند .

برای تمام کسانی که جنگ های کابل را ندیده و یا آنها را می خواهند که در این جنگ ها چه اتفاق افتاده است، و بلاخره از وقایع و حوادث صحبت می کند که امکان دارد بسیاریا تا بحال آنرا نشنیده و نخوانده اند، اگر به اهمیت تاریخ نگاری، مسایل سیاسی، شیوه های نگارش ادبیات جنگ، توضیح و تشریح واقعات و حوادث و پی آمد های تراژیک و فاجعه بار آن، بلند کردن فریاد در گلوئی خفته صدها هزار انسان داغ دیده وطن، یتیمان جنگ، معلولین که در لشکر گدا ها صف بسته اند توجه نمائیم، درجه اهمیت تاریخی این اثر بیشتر نمایان میشود.

درین کتاب با ژرف اندیشی، دقت و وسواس کم نظیری، انگیزه ها و علل جنگ های کابل، مورد بررسی کارشناسانه قرار گرفته، پیش از ورود بمیدانهای جنگ، تاریخچه اشتعال جنگها بعد از دهه پنجاهم خورشیدی در کشور به بررسی گرفته شده، مواد و اسناد ذقیقت تاریخی فراوانی، ارائه داده شده است مثلاً در اقدامات و واژگون کننده تند روان اسلامی، علیه حکومت محمد داود از همکاری تنگاتنگ، سازمانهای استخباراتی « ( سیا - امریکا )، ( ساواک - ایران )، ( آی اس ای - پاکستان ) » خبر داده است \_ حین بررسی شورش ها زیر نام جهاد ؟ بر علیه حکومت دموکراتیک نورمحمد تره کی آورده است : « آنگونه که یک نسل شاهدش بود هرگاه افغانستان از خاک همسایه های آژمند، از پاکستان که تند روان اسلامی افغان، عرب های القاعده بنام مجاهدین در آن جابجا بودند، و از خاک ایران که تند روان شیعه در آن اقامت بر گزیده بودند مورد تجاوزات گسترده و تبهکارانه قرار نمیگرفت، اتحاد شوروی هم در آنزمان به اقدام جنون آمیز و تبهکارانه دست نزده به افغانستان نیروی نظامی نفرستاده بود .»

همزمان در باره دست داشتن خارجی ها در شورش های ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ بوسیله تندروان اسلامی بر ضد دولت دموکراتیک اسنادی ارائه داده است .

جنگ و جهاد افغانی علیه حکومت ببرک کارمل، مرحله حضور نظامی شوروی را در افغانستان به ژرف ترین بحث ها و بررسی ها کشانده، ماهیت جهاد و حقایق نا گفته و زیادی را بیان کرده، از جمله نگاشته است : « قوای شوروی بعد از ورود به افغانستان با توجه به چشم انداز منافع اش با یک دیدگاه ستراتژیک رفتار دوگانه را اختیار نموده بود، از یکسو بر پشتیبانی نامحدود دولت افغانستان تاکید بعمل می آورد و از سوی دیگر به جذب فرماندهان چریکی مجاهدین که یگانه نیروی قهار غرب در مبارزه بر ضد شوروی ها محسوب می گردید، توجه گسترده مبذول کرده بود، در جریان بیشتر از ۹ سال حضور نظامی شوروی ها در افغانستان از جمله فرماندهان عمده چریکی مجاهدین کمتر کسی را میتوان سراغ کرد که با استخبارات شوروی بنابر دلایل و عوامل گونه گون رابطه و معامله بر قرار نکرده، اسناد تعهدات و پرتوکولها، امضاء نکرده و برای خود و گروه شان پول اسلحه، تجهیزات نظامی، مواد لوژستیکی، چانس حرکت و مانور حاصل نکرده باشد»، از جمله اسناد و حقایق زیادی را در باره روابط احمد شاه مسعود ارائه داده است .

در این اثر از یک سو خاطرات درخشان جانبازیهای قوای مسلح افغانستان در دفاع از وطن، دفع و طرد تجاوز گروه‌های تند روی اسلامی، عرب‌های افراطی سازمان القاعده به رهبری اسامه بن لادن و عبدالله اعزام که زیر نام جهاد دست به کشتار ویرانگری زده بودند، و از سوی دیگر جهاد؟ این گروه‌ها علیه حضور نظامی شوروی در افغانستان را با گزارشات مستند، ارائه فاکت‌ها با شیوا ترین تعبیر و تفسیر که خواننده را به عمق واقعیت‌های دوران می‌کشاند بیان گردیده است.

در اینجا یکی از گوشه‌های، خاطرات نویسنده را درباره بیرون کشیدن قوای دولتی از پنجشیر در سال ۱۳۶۱ خورشیدی می‌آوریم: «... هیأت ما ذریعه یک جوهر هلی کوپتر های نظامی از کابل بصوب پنجشیر پرواز کرد ... وقتی از پنجره هوا پیمای (طیاره) به بیرون نگاه کردم، هجوم سرمای شبانه ی اخیر فصل پائیز آخرین مقاومت سیزی های طبیعت را در هم کوبیده، در باغ‌ها و تاکستانهای کوه‌دامن تا پنجشیر درختان برهنه بر مرگ برگهای شان ماتم گرفته، دلنتگ و خاموش ایستاده بودند، برگهای بالاترین شاخه‌های درختان سر به فلک کشیده همه لذت سقوط را تجربه کرده بودند.

اما پائیز در تاکستانها و درخت زارها، با هزاران رنگ هزاران نقش زیبایی اش را به نمایش گذاشته بود، گویی جشنواره ی رنگها برپا شده است همه چیز در تلاتم رنگها می‌لویید، به گونه ای که طبیعت خاکی با جامه نارنجی و زرد جذاب و دلفریب معلوم میشد. وقتی بر فراز دره پنجشیر رسیدیم، اضطراب قلبی و خطر آتشباری بر هلیکوپتر های ما به نسبت بر قراری آتش بس، و عقد پروتوکول میان احمد شاه مسعود فرمانده چریکهای پنجشیر و قوای شوروی از بین رفته بود، از اینرو هلیکوپتر های ما با پرواز بلند تر به سوی عمق دره راه کشودند از ورای پنجره های هلیکوپتر طبیعت زیبا . سلسله های زنجیری کوه ها و دره های پنجشیر با دلفریبی جلب نظر میکرد در ارتفاعات بلند کوهها در دور دستها دانه های برف همه جا را نشانه گرفته و رنگار سردش را بر سر و صورت قله ها و صخره ها کوبیده بود، قله کوهها به آدم های پیر و موی سفیدی می ماند که خشونت برف فقط در چند روز تمام تاریخ عمرشان را پر کرده بود. سطوح صخره ها و عمق شکاف های دره ها از صفیر توفان زای بادها از ریزش برف های پر گردیده، اینجا و آنجا شیاری های سفید از گریبان دره ها سر بر کشیده بود.

در آنروز که خورشید چون جوهر فروزان بر سینه آسمان آبی می درخشید، وطلایه ی زرین خود را با عبور از صخره ها به آغوش روستاها می انداخت، ویک روز روشن و شفاف دیگر با آرامش نسبی که بر قراری آتش بس به سر زمین توفان زده پنجشیر به همراه آورده بود آغاز می شد . دریا سرود گر و خندان و بی توجه به چالش های روز گار در بستر پیچاپیچ خود پهلو میزد شهر وندان روستاها، در مسیر سرک ها و پیاده و سوار در جنب و حرکت دیده می شدند، احشام ورمه های گوسفند در دامنه های خشک و سنگزار دره ها از مندانه در تکاپو به نظر میرسیدند . در آن لحظه یگانه تصویری که در ذهن انسان خطور میکرد این بود که چرا؟ این طبیعت دلکش با همه ی زیباییها با همه شهروندان شجیع و شریف اش، بجای ابادانی و شکوفایی، به میدان جنگ و جهاد قدرت و تباهی و سزاوار سوختن مبدل شده است.

اما دریغ که قدرت طلبی دو جناح جنگ را که هر دو از بیگانه الهام می گرفتند ، به گونه مضحکی به بازی گرفته بود . یکطرف مزورانه همسایه ی آزمند را سایه بان قدرت برای خود برکزیده و این دیگری همسایه ی حریص را، اشغالگر، متجاوز و کافر میخواند، از نفرت عقیدتی بر علیه آن شمشیر جهاد از نیام بر کشیده بود، اما اینکه با ذلت و در ماندگی، به اشغالگر بیعت نموده، سر تسلیم فرود آورده بود، اما حال هر دو طرف از اشغالگر الهام گرفته، و باهم می جنگیدند .....»

کتاب با توضیح فشرده جنگ ها در دوره حکومت داکتر نجیب الله ، شورشها در حیرتان، و مزار شریف را که عملیه صلح سازمان ملل متحد را به ناکامی مواجه کرد به بررسی گرفته، و بلاخره به میدانهای جنگ کابل رسیده است . بسیاری از صفحات کتاب به جنگ های دوماهه در دوره حکومت صبغت الله مجددی، در داخل شهر اختصاص یافته جنگهای احمد شاه مسعود با کلبدین حکمتیار، از عبدالرب رسول سیاف با عبدالعلی مزاری را با ارائه گزارشات مستند و با همه خونباری و ویرانگری و جنون قدرت طلبی فرماندهان جنگ، توضیح و تشریح گردیده است .

نویسنده با شیوه نگارش خود نخواستہ روح سرگردان خواننده را در با طلاق جنگ بحال خودش تنها رها کند، ازین رو با پناه بردن به روماننسیسم \*\*\*، واقعیت ها را پر رنگ تر جذاب تر بمیان نموده و از عناصر شور انگیز و غنائی و حماسی استفاده کرده است، گاهی لطافت و شریین سخنی ها و تراژیدی جنگ و آتش و انفجار ها گم میشود ، با آنهم نمونه های زشت و زیبا را بشکل نمایان برجسته ساخته و بر روی عواطف انسانی تاثیر بجا می گذارد تفسیر اوضاع جنگ "کوچه خرابات، مهد موسیقی کشور، چشم دیدها از حضور هیولای جنگ در هندوگنر، و همچنان روایت قصه یک عشق ناکام، از یک جوان محصل دانشگاه نظامی که در اوائل جنگ ها بعد از سوق گردیدن به کار زار، نبرد در شهر کابل در (یکته توت) بشهادت می رسد، یکی ازین نمونه ها است، که گوشه آنرا در اینجا بشما نقل می کنم : «..... در روز بعد پس از برگزاری مراسم فاتحه در مسجد خیر خانه با تتی چند از دوستان بسوی تربت او راهی آرامگاه خیر خانه شدیم، آفتاب سیمین در آنروز با نثار فروغش به بهار گرمی ملایمی بخشیده بود، اما اینک حوالی عصر روشنی و گرمی اش را از داخل شهر و قامت شکسته دیوار کابل شاهان که در کمر گاه کوه شیر دروازه حصار کشیده است جمع کرده و تیغه های آسمایی و شیر دروازه را به بازی گرفته بود، و همزمان هیولای جنگ و جنگجویان

هنوز در شهر و حومه های آن حضور مرگبار داشت، ما حین مواصلت به آرامگاه خیر خانه راکت ها و گلوله های آتشزای توپچی را می دیدیم که چون خدنگ های در روشنی فرورزان عصر بهر سو، در پرواز بودند، غرش پرواز هواپیماهای حربی، صدای انفلاق ها، ناقوس خطر را می نواخت، اصابت راکت ها و بم های هواپیماها از کابوس مرگ خبر میداد، درختان در این سو و آنسوی آرامگاه در روشنی نیمه تاریک غروب قد کشیده و بر شاخ و شاخچه های آن گنجشکان از هراس و شدت غرش ها خود را بهم چسپانده و جوره می جوییدند، صدا های جیک جیک هزیان آلودشان آهسته آهسته به گوش میرسید .

آرامگاه خیرخانه درسکوت دایمی فرو رفته بود، مرگ با چهره ی گونا گون و گامهای سنگینش آنجا را به قلمرو فرمانروایی خود مبدل کرده بود، در آنجا اشتیاق بیدار شدن برای حضور در قیامت آینده دیده نمی شد، آرامگاه در آنروز های جنگ دامن گسترده آدم های زیادی را که جنگ جنگجویان از زندگی و کاشانه شان رانده بودند، رثوفانه در دامن خود جا داده بود، تاچشم کار میکرد در دامنه های بدون درخت در میان کاکل بوته های وحشی و فرش سبزه یی گورهای جدید، خورد و کلان، کلوخی و سنگی صف کشیده بودند، جهنده های رنگین، سرخ، سیاه، سفید، سبز با دسته های بلند چوبی در وزش نسیم غروب مانند تیر های لبه تیز اهتزاز ماتم آوری داشت .

اما آرامگاه در آن غروب دلگیر پر از آدم های زنده بود، که با چهره های خموش و مغموم، عاصی و کفری در آنجا ایستاده بودند، غم بر چهره ها سایه انداخته و کثیف ترین و هول انگیز ترین صورت خود را نشان داده بود آنها می دیدند که عزیزان شان قربانی احمقانه ترین و اندوهبار ترین جنگ دنیا شده اند. آنهایکه در طول روز ها از شدت و هواس جنگ نتوانسته بودند جنازه ای را به خاک بسپارند، یا موفق بر حضور و دعا خوانی برگور عزیزی از دست رفته ای نگردیده بودند، همه در آنجا حضور یافته بودند، همه خاموش بودند، کسی حرف نمی زد، تنها آواز چیره بر همه صدا ها قرائت آیات کلام الله مجید و دعا های دفع بلا و جنگ بود که به گوش میرسید. پیش از ورود ما به آنجا، دوشیزه ی جوانی بر خاک ( نبی ) زانو زده بود، دختری بالا بلند، خوش صورت با چهره زیتونی، لباس سیاه پوشیده بود، چادر ابریشمی رنگ گل بهی که بر تراش گردنش حلقه میزد، خرمن موهای سیاهش را که بر شانه هایش ریخته بود، پنهان میکرد، شال شکری که بدورش پیچیده بود مانند گل صد برگ در اطرافش شگفته بود، در حالت ایستاده و بیقراری در نسیم غروب به فرشته ای میماند که در حال پرواز باشد، در چشمهایش نوری می درخشید، اگر بتوان به آن نامی داد، باید گفت که شعله عشقی بود که می تابید، برق چشمانش بر تر از مهربان ترین چشمهای دنیا بود، گاه چشمانش را به غروب آفتاب می دوخت و گاه چنان بهتزده و اندوهگین روبه خاک نگاه میکرد که مثل یک کالبد معلوم می شد، فکر میکردی رو به خاک چیزی میگوید، شاید میگفت : ای خاک به این شهید مهربان باش، زیرا او جز عشق به تو و توده های مردم، آرزوی نداشت، او یک سپاهی با شرف میهن بود، قطرات اشک از چشمانش که از اندوه و خشم سرخ شده بود سرازیر بود، در اثر هق هق گریه، بدنش تکان میخورد شاید می خواست با توفان اشک و بر دیو یاس و نا مرادی به مقابله بر خیزد و بر آن غلبه کند، شاید هم با سیل اشک میخواست بر ضد هجوم خشم و نفرت که در وجودش غلیان میکرد پایداری و مقاومت نماید. او میدید کسی را که با یک دنیا امید و با تمام ذرات وجودش دوست داشت، زندگی را مبدون او میدانست، اما اینک هیولای جنگ و جنگجویان، محبوبش را از او گرفته و میان شان با دیوار خاراین پرده کشیده بود، او در دنیای خیالات خود غرق بود ..... »

نویسنده بارها اعتراف نموده که آنچه در قالب اثرش گنجانیده شده، با نقایص و کاستی های فراوانی همراه است، و هیچ ادعای نداشت که تمام واقعات جنگ های کابل را بررسی کرده است، اما امیدواری اش را بر این نکته معطوف نموده که چهار چوب تازه و بستر مناسبی را برای پژوهش ها، آفرینش های ادبی، هنری آماده نموده است. در یک پروگراف پیشگفتار کتاب آورده است : « خودستایی خواهد بود اگر نگارنده مدعی شود که گویا بررسی های این کتاب از لغزش ها و خطا ها خالی است، در واقع هر بررسی، تحقیق، به ویژه تحقیق مسایل جنگ، مانند نبرد های کابل با تنوع و پیچیده گی های فراوانی کاری اسانی نیست، از یکسو جنگ های، ذات البینی تنظیم ها و ملیشه های شمال کمترین اسناد و مدارک را از خود بجا مانده و و با قشر ضخیمی از پنهانکاری ها و فراموشی ها، جانبداریها، وابستگی ها پوشانده شده اند و از سوی دیگر حضور پر قدرت فرماندهان و بازیگران اصل جنگ های کابل در دولت جهادی ( حامد کرزی )، تلاش جمعی بخاطر کتمان و حجاب اندازیهایی عوامفریبانه بر رخداد ها و جنایات تراژیک جنگ مسایلی اند که نمیتوان به سادگی در اعماق تاریخ این جنگ ها نفوذ کرد و جنگهای هولناک و نفرت انگیز آنرا مورد بحث و پژوهش قرار داد. با این حال کتاب اعتبار خود را در نهایت از قضاوت خوانندگان، به ویژه کسانی که این جنگ ها را بچشم سر مشاهده کرده و بشکلی از صدمات جنگ متضرر گردیده و حقایق را شنیده اند اخذ می کند. »

در پایان میخواهم از پی گفتار جلد اول کتاب نقل بدارم که در آن چنین تحریر یافته است : « جنگ واقعاً پل پای است بسوی جهنم، این اثر را از آنجهت مورد توجه، دقت و ارزیابی قرار دهیم که برای جلوگیری و بر انداختن جنگ ها در هر کجای دنیا به ویژه در وطن محبوب مان افغانستان چاره بجویم. بلای جنگ را که مصیبت اصلی انرا مردم شکیبایی افغان بدوش می کشد، متوقف و طرد نمایم، و ضد جنگ باشیم. »

در پایان خواندن و مطالعه این اثر تاریخی، سیاسی و ادبی را به عموم روشنگران پیشنهاد میدارم و برای نویسنده در تکمیل جلد دوم آن برکت می خواهم .

**دست نویسنده بی قلم میاد**



## پاورقی ها :

**\*- نویسنده کتاب :** محترم سید عبدالقدوس " سید " در یک خانواده با رسوخ و خدمتگذار در ولایت بدخشان متولد شده، از لیسه نظامی و متعاقباً از دانشگاه حربی در سال ۱۳۴۸ خورشیدی فارغ گردیده، مدت ۲۴ سال بحیث افسر در قوای مسلح افغانستان خدمت نموده، تحصیلات عالی را در دانشگاههای نظامی هندوستان و اتحادشوروی سابق به پایان رسانیده است و در سال ۱۳۷۱ خورشیدی در تداوم جنگهای تنظیمی به مهاجرت مجبور گردیده ، فعلاً در کشور المان و در دیار غربت زندگی دارد. از موصوف مقالات زیادی در مطبوعات داخلی و بیرون مرزی و سایتهای انترنیتی نشر گردیده است ، از ایشان یک اثر دیگر بنام ( حماسه های جاویدان ) که در سال ۱۳۶۳ در کابل نشر گردیده که از استقبال خوبی خوانندگانش برخوردار بوده است./

**\*\*- ایدئولوژی ( Ideologie ) :** ایدئولوژی عبارتست از سیستم نظریات و اندیشه یک شخص و یا گروهی است در زمینه های سیاسی، حقوقی، هنری، مذهبی، فلسفی و اخلاقی. ایدئولوژی بخشی از روبنا اجتماعی بوده که توأم با خصلت طبقاتی میباشد و در آخرین تحلیل ایدئو لوژی منعکس کننده مناسبات اقتصادی - زیربنای جامعه نیز است. در جامعه ای که به طبقات متخاصم تقسیم شده یکی از اشکال مبارزه طبقاتی بیکار ایدئولوژیک است.

**\*\*\*- روماننسیسم :** مکتب روماننسیسم زائیده تمدن صنعتی و پیشرفت طبقه متوسط در قرن نوزدهم می باشد. به این دلیل که توده پیشرفته این قرن اروپا دیگر نمی توانست سنت های فنودالیسم " ملوک الطوایفی " و کلاسیسم را قبول کند. از این رو به نویسندگان و هنرمندانی احتیاج داشت که بدلخواه خود و پندارهای بی بند و بار خود قلم بدست گیرند. این نهضت ادبی از میانه های قرن ۱۸ اوج گرفت تا جاییکه تمام نیمه دوم این قرن و سرتاسر قرن ۱۹، جهان هنر و اندیشه را جولانگاه خود ساخت. نویسندگان این مکتب هیچگاه مردم را آنگونه که بود توصیف نمی کردند، بلکه آنچنان که باید باشد، نقاشی می کردند. از این رو این مکتب در برابر " رئالیسم " جای می گیرد. هنرمند رومانیک توده خود را دشمن می پندارد و چون از زندگی در اجتماع خویش گریزان است، به خیال ها و اندیشه های خود پناه می برد و به دوران های باستانی و روزگار کودکی و سرزمین آرزوها و تنهایی باز می گردد. از میان پیشوایان این مکتب می توان : استاندال ، ویکتور هوگو و شاتوبریان را در فرانسه، لرد بایرون و ورد زورث را در انگلستان و گوته و شیلر را در المان و پوشکین و گوگول و لرمانتوف را در روسیه نام برد. دیباچه ویکتور هوگو بر نمایشنامه کرمول " کرامول " مرام نامه ی جنبش روماننسیسم گردید و هم او با عرضه ی شاهکارش " بینوایان " رهبری این مکتب را از آن خویش ساخت.

## مراجع دریافت کتاب « جنگ های کابل »

- المان شهر های زیر :

- 1- کارل سروهه، ( افغان ستور ) تلفون : 07213846895
  - 2 فرانکفورت، فروشگاه (دوستانه بازار) تلفون 06926916072
  - 3- هامبورک ، فروشگاه ( انصار ) تلفون : 040243422
  - 4- اشتوت گارد ، فروشگاه ( مهاراجه ) تلفون: 07116408276
  - 5- مونشن، فروشگاه ( غالب ) تلفون : 08954404475
  - 6- کاسل ، مارکیت ( آسمانی ) تلفون : 0561103825
  - 7 - کاسل، فروشگاه ( پست مایل ) تلفون : 05619374861
  - 8 - بخوم نشر ( آیدا ) تلفون: 02349704803
- مراکز پخش : در هالنند شهر " اوتریخت " فروشگاه کابل : تلفون : 0302448548  
مراکز پخش: در انگلستان شهر لندن ( آریانا تریفل اکس چنچ لمتد ) تلفون : 2086836960